

هراس از معرفت

در نقد نسبی‌انگاری

پُل بوغوسیان

ترجمه

یاسر میردامادی



نشر کرگدن



همه حقوق برای ناشر محفوظ است.
نشر کرگدن: تهران صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵
www.kargadanpub.com

مجموعه معرفت‌شناسی معاصر - ۱
دبیر مجموعه: بابک عباسی
(استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران)

هراس از معرفت: در نقد نسبی‌انگاری

نویسنده: پل بوغوسیان

مترجم: یاسر میردامادی

ویراستار: بابک عباسی

نسخه‌پرداز: عارفه خندق‌آبادی

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: ندای ایران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۵۲-۳-۷

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

یادداشت دبیر مجموعه

معرفت‌شناسی، در کنار متافیزیک و نظریه ارزش، یکی از سه قلمرو کهن فلسفه است. اهمیت این گونه از تأمل فلسفی ناشی از اهمیت باورهای ما، و اهمیت تماس شناختی درست با جهان (محیط و انسان‌های دیگر) است. اگرچه قدمت معرفت‌شناسی به قدمت خود فلسفه است، این شاخه از فلسفه در نیمه دوم قرن بیستم وارد مرحله جدید و پربراری از حیات خود شد، به نحوی که شاید بتوان از تأسیس مجدد معرفت‌شناسی در این عصر سخن گفت. از آن زمان شتاب تحولات در این قلمرو نسبتاً سریع بوده است، و در دهه‌های اخیر نیز تحت تأثیر تحولاتی در عرصه علوم زیستی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و خود فلسفه، افق‌های جدیدی پیش روی این نوع فلسفه‌ورزی گشوده شده است.

در زبان فارسی نیز خوشبختانه بیش از یک دهه است که توجه و علاقه به این حوزه رو به افزایش است به نحوی که معرفت‌شناسی به درس‌های مصوب دانشگاه‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز راه پیدا کرده است. این امر نیاز به متون متنوع و جدیدتر در این رشته را، در کنار متون آموزشی، مهم و گریزناپذیر می‌کند، متونی که بتواند تصویری از این تحولات و عرصه‌های جدید عرضه کند.

در این مجموعه می‌کوشیم دست‌کم برخی از این افق‌های جدید را که سابقه چندانی در زبان فارسی نداشته است، معرفی کنیم. معرفت‌شناسی فضیلت، معرفت‌شناسی پدیدارشناسانه، معرفت‌شناسی تکاملی، و معرفت‌شناسی اجتماعی برخی از قلمروهای جدیدی است که این مجموعه سعی در معرفی آنها دارد. امیدواریم انتشار این متون مجال جدیدی برای تأمل و تعمق همه دوستداران معرفت پدید آورد.

بابک عباسی

به مادرم، ملینه یالنزیان بوغوسیان
(نویسنده)

پارسی‌گردانیده این اثر را به دخترکم «سوفیا» پیشکش می‌کنم،
هم‌او که با قدم گذاشتن به دنیا، پدرش را - دست‌کم از این جهت - به
مقام «فیلسوفیا» رساند.
(مترجم)

فهرست

۱	یادداشت مترجم
۳	معرفی کتاب هراس از معرفت (محسن زمانی)
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	۱. مقدمه
۲۷	۲. برساختن اجتماعی معرفت
۴۵	۳. برساختن واقعیات
۶۵	۴. نسبی‌سازی واقعیات
۸۵	۵. دفاع از نسبی‌انگاری معرفت
۱۱۳	۶. رد نسبی‌انگاری معرفت
۱۲۹	۷. حل یک تناقض‌نا
۱۴۷	۸. دلایل معرفتی و تبیین باور
۱۶۹	۹. پس‌گفتار
۱۷۳	ضمیمه ۱: هزارتوی نسبی‌انگاری اخلاق (پل بوغوسیان)
۱۷۹	ضمیمه ۲: نقد نسبی‌انگاری به چه کار می‌آید؟ (یاسر میردامادی)
۱۸۷	کتاب‌نامه
۱۹۲	نمایه

یادداشت مترجم

از باب پرهیز از کافری - که «کافرِ مخلوق، کافرِ خالق است»: من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق - و در آمدن به سلک شاکری، تکلیفِ مشتاقانه من است که کسانی را سپاس گزارم که در به ثمر رسیدن این پارسی‌گردانیده، از سرِ لطف، نقشی مهم ایفا کردند.

از دانشی دوست‌گرامی‌ام، جناب آقای دکتر جواد حیدری، که از «ترکانِ پارسی‌گو» و از «بخشنندگانِ عمر» است، سپاس دارم که نه تنها ترجمه این اثر را به من پیشنهاد کرد، بلکه در مدت طولانی ترجمه، بی‌منت و بی‌رشوت، از هیچ کوششی برای به‌کرد آن فرونگذاشت. امیدوارم تا جان در بدن دارد، این‌سان فرشته‌خوی بماند.

از دوست دانشمند جناب آقای دکتر بابک عباسی که او نیز از «ترکانِ پارسی‌گو» و «بخشنندگانِ عمر» است، متشکرم که پیگیر چاپ این اثر در نشر نوپای‌شان «کرگدن» بود، نشری که خلاف اسم پرمهابتش مدیرانی لطیف، فرهیخته و غزال‌آسا دارد. همچنین دکتر عباسی از سر لطف تمام این اثر را ویراستاری شکلی و محتوایی کردند. ویراستاری دقیق، عالمانه و در عین حال منعطف ایشان به من چیزهای زیادی آموخت. برای ایشان دوام در بخشنندگی عمر آرزو دارم. همچنین از دکتر محسن زمانی سپاس فراوان دارم که از روی لطف و احسان و در زمانی به‌هنگام نکات محتوایی و شکلی متعددی را در باب ترجمه این اثر متذکر شد، نکاتی که در آخرین لحظات نهایی شدن کتاب اکثر آنها را پسندیدیم و به‌کار بستیم.

و سرآخر، از همسر - به اسم و مسمی - ریحانه‌ام، سپاسی ویژه دارم که -

معرفی کتاب هر اس از معرفت

محسن زمانی

۱. مقدمه

«حقیقت نسبی است». «واقعیت ساخته ماست». «هرکس قدرت دارد، واقعیت و اخلاق را می‌سازد». «پارادایم‌ها قیاس‌ناپذیرند». «جهان مدرن با جهان سنتی متفاوت است». «پست‌مدرن‌ها نشان داده‌اند که نه صدقی وجود دارد و نه عقلانیت مستقل از سنتی». «این عقلانیتی که از آن دم می‌زنی ساخته غربی‌هاست، ما باید عقلانیتِ خودمان را بسازیم». «نمی‌توان ثابت کرد که پزشکی جدید بهتر از پزشکی قدیم است. دوره این اثبات کردن‌ها گذشته است». «مسحیت برای مسیحیان صادق است و اسلام برای مسلمانان». «انشتن [کذا فی الاصل] نشون داده که همه چی نسبیّه».

احتمالاً شما هم چنین جمله‌هایی را شنیده‌اید. معمولاً کسانی را که این‌گونه ادعاهایی می‌کنند «نسبی‌انگار» می‌خوانند. نسبی‌انگاری درباره هر حوزه‌ای، اجمالاً، بدین معناست که در آن حوزه واقعیتی مستقل از اشخاص و جامعه‌ها وجود ندارد. نیازی نیست که جست‌وجوی زیادی کنیم تا دریابیم نسبی‌انگاری، یا آنچه گمان می‌شود نسبی‌انگاری است، در ایران بسیار پرطرفدار است، مخصوصاً در میان تحصیل‌کردگان. اگر در خیابان‌های تهران، مثلاً، به عامی‌ای بگویی که اگر انسانی نمی‌بود، کوه دماوندی در کار نمی‌بود، احتمالاً دیوانه‌ات خواهد پنداشت. ولی در همین تهران، اگر به

خیلی از تحصیل‌کردگان بگویی فکر می‌کنی کوه دماوند، الکترون یا برخی ارزش‌های اخلاقی مستقل از ما انسان‌ها وجود دارند، به احتمال زیاد باید منتظر باشی که سخن‌رانی‌ای دربارهٔ توماس کون، دلوز، فیزیک کوانتم، کلان‌روایت‌ها یا چنین کسان و چیزهایی بشنوی؛ خود اگر متهم به دگم و فنا تیک بودن نشوی.

این همه بدین معنی نیست که نسبی‌انگاری از سنخ مشهورات بی‌مبناست و شایستهٔ تأمل و تدقیق نیست. اتفاقاً فیلسوفان بزرگی و دانشمندان علوم تجربی یا انسانی برجسته‌ای، چه در بین متقدمین و چه در بین متأخرین، چه در بین قاره‌ای‌ها و چه در بین تحلیلی‌ها، نسبی‌انگارند. اما همانند هر مرام و مکتبی که مد می‌شود، نسبی‌انگاری هم در معرض این خطر است که بد فهمیده شود. مشخصاً ممکن است چنین دردسری رخ دهد: صورت‌بندی مبهمی از آن به‌دست داده شود، بدین معنی بین تعبیرهای متفاوت از آن نتوان به‌راحتی تمیز گذارد. چنان‌که با در نظر داشتن تعبیر درستی از آن صورت‌بندی، گمان کنند که تعبیر یا تعبیرهای دیگر آن هم درست‌اند. بگذارید چند مثال بزنم.

ادعای ۱: این که اخلاط اربعه وجود ندارند، برای تو صادق است، نه برای من.

تعبیر اول: تو این را صادق می‌شمی که اخلاط اربعه وجود ندارند. من آن را صادق نمی‌شمم.

تعبیر دوم: هم باور تو به اینکه اخلاط اربعه وجود ندارند، به یک معنی از صدق، صادق است و هم باور من به اینکه اخلاط اربعه وجود دارند، به یک معنی دیگری از صدق، صادق است.

ادعای ۲: باور به اینکه اخلاط اربعه وجود ندارند، برای تو عقلانی است، نه برای من.

تعبیر اول: تو شاهدهایی داری که باور تو را به اینکه اخلاط اربعه وجود ندارند عقلانی می‌کنند. من شاهدی دیگری دارم که باور مرا به اینکه اخلاط اربعه وجود دارند عقلانی می‌کند.